

دکتر طاهره عظیم‌زاده طهرانی  
استادیار دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

## اسپهدیه<sup>(۱)</sup> یا آل باوند و پیوند آنان با شیعه امامیه

### چکیده:

اسپهدیه (اصفهدیه) دومین شاخه از خاندان حکومتی باوند بودند که به نوشته‌ی زامباور به ملوک جبال نیز معروفند (زامباور، ص ۲۸۶)، آنان در اوایل عصر سلجوقی در قسمتی از طبرستان حکومت می‌کردند از شیعه امامیه طرفداری می‌کردند. این پژوهش به بررسی تشیع این خاندان به ویژه پشتیبانی سه تن از فرمانروایان این سلسله از تشیع امامیه پرداخته است.

**کلید واژه‌ها:** اسپهدیه، تشیع امامیه، علمای شیعه، علاءالدوله علی، رستم غازی،

اسپهد شهریار.

---

۱- عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب تاریخ مردم ایران، صفحه ۳۶۱، انتساب آل باوند را به ساسانیان و همچنین در صفحه ۳۸۱ ارتباط اسپهدان عصر سلجوقی را با سلسله اسپهدان باو مورد تردید قرار داده است.

اسپهبدان باوندی (۷۵۰-۴۵ ق / ۱۳۴۹-۶۶۵ م) از خاندان منسوب به ساسانیان بودند که اندکی پس از وفات یزدگرد ساسانی (۳۱ ق / ۶۵۱ م) در بخش کوهستانی نواحی شرقی طبرستان به حکومت رسیدند و به سه شاخه:

کیوسییه Kayusiyya	۴۵-۳۹۷ ق / ۱۰۰۶-۶۶۵ م
اسپهبدیه Ispahbadiyya	۴۶۶-۶۰۶ ق / ۱۲۰۹-۱۰۷۳ م
کین خواریه Kin-kharyya	۶۳۵-۷۵۰ ق / ۱۳۴۹-۱۲۳۷ م

تقسیم می‌گردند (Frye, P1110) در این پژوهش اسپهبدیه که «فرقه ثانیه» باوندیه (شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۸۴) خوانده می‌شود مورد نظر می‌باشد که مشهور به تشیع امامیه هستند (Madlung, P749). برخی آنان رابه جای آل بویه نخستین سلسله ایرانی دانسته‌اند که کیش دوازده امامی را پذیرا گشتند به این دلیل که پیرامون نوع تشیع آل بویه اختلاف وجود دارد و این نظر مطرح است که نخست آل بویه کیش زیدی داشتند، پس از آن پشتیبان معتزلیان و شیعیان شدند (ماد لونگ، فرقه‌های اسلامی، ۱۳۹) بی‌آن‌که با هیچ شاخه خاصی از تشیع بیعت کرده باشند<sup>(۱)</sup>.

اسپهبدیه ابتدا در مناطق کوهستانی طبرستان به سر می‌بردند، سپس در اوایل دوره سلجوقیان قلمرو خود را به ناحیه ساحلی دریای خزر گسترش دادند و ساری مرکز آنان گردید. (باسورث، ص ۳۵)

پادشاهان این سلسله هشت تن می‌باشند:

۱- اسپهبد حسام‌الدوله شهریار	حکومت ۴۶۶-۵۰۱ ق / ۱۱۰۷-۱۰۷۳ م
۲- قارن نجم‌الدوله	۵۰۱-۵۰۸ ق / ۱۱۱۴-۱۱۰۷ م
۳- رستم شمس‌الدوله	۵۰۸-۵۱۱ ق / ۱۱۱۸-۱۱۱۴ م
۴- علی‌علاء‌الدوله	۵۱۲-۵۳۳ ق / ۱۱۳۸-۱۱۱۸ م
۵- رستم شاه غازی	۵۵۸-۵۶۸ ق / ۱۱۷۲-۱۱۶۲ م

۱- در منابع کهن: عبدالجلیل القزوینی در کتاب النقص، ص ۴۲ آل بویه را امامی دانسته است و در منابع جدید شیوهر در تاریخ ایران در قرون نخستین، ج ۱، ص ۳۲۹ آنها را شیعه امامیه می‌داند. همچنین رک رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ص ۲۴۴-۵.

- ۶- حسن علاءالدوله / ۵۵۸۸-۵۴۸۸ ق / ۱۱۷۲-۱۱۶۲ م  
 ۷- اردشیر حسامالدوله / ۵۶۸۸-۶۰۲ ق / ۱۲۰۵-۱۱۷۲ م  
 ۸- رستم شمسالدوله / ۶۰۳۶-۶۰۶ ق / ۱۲۰۵-۱۲۰۹ م

چه زمانی و به چه علت آل باوند به تشیع امامیه گرویدند؟ در منابع به روشنی بیان نشده است. برخی تغییر کیش باوندیان را به شاخه نخست آنها نسبت داده و معتقدند اسپهبد شاپور (حکومت ۲۲۲-۲۱۰ ق / ۸۳۶-۸۲۵ م) که معاصر امام محمد تقی امام نهم علیه السلام بود، مسلمان شد و به افتخار امام جعفر صادق (ع) نام جعفر گرفت و پس از او اسپهبدان مذهب جعفری برگزیدند (مظاهری، امامیه در مازندران، ص ۳۸). قاضی نورالله شوشتری (مقتول ۱۹۱۰ ق / ۱۶۱۰ م) جانشین اسپهبد شاپور، قارن بن شهریار (حکومت ۲۵۳-۲۲۲ ق / ۸۶۷-۸۳۶ م) را نخستین مسلمان و شیعه دانسته است<sup>(۱)</sup> (شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۸۴). ولی آنچه مسلم است این که شیعه دوازده امامی در زمان این دو تن شکل اصلی خود را نیافته بود، زیرا هنوز امام حسن عسکری (متوفی ۲۶۰ ق / ۸۷۳ م) در قید حیات بودند.

سکه‌هایی از اسپهبد رستم بن شروین (حکومت ۳۳۵-۳۷۰ ق / ۹۸۰-۹۴۶ م) یکی دیگر از فرمانروایان شاخه اول کیوسییه به دست آمده که ضرب فریم<sup>(۲)</sup> و متعلق به سال ۳۶۷ ق / ۹۷۷ م می باشد و نقش علی ولی الله و نام عضدالدوله بر آن ضرب شده است (زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ص ۳۸۰؛ باسورت، ص ۳۵). این کلمات تعهد او را نسبت به عضدالدوله و تشیع نشان می دهد ولی نوع تشیع او را مشخص نمی کند.

آنچه مسلم است این که تشیع در بین آل باوند پیشینه‌ای دیرین دارد و مازندران پناهگاه کسانی بوده است که گرایش به شیعه داشتند. مشهور است فردوسی (۴۱۶ ق / ۱۰۲۵ م) پس از ناامید و دلسر شدن از محمود غزنوی به طبرستان نزد شهریار آل باوند آمد و خواست کتاب خود

۱- مرعشی در تاریخ طبرستان و رویان... ص ۹۴، اصفهبد قارن بن شهریار را اول شخص دانسته است که قبول اسلام کرد ولی به تشیع او اشاره ندارد.

۲- فریم یا پریم در جنوب ساری واقع بود (زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ص ۳۴۵) ولی محل آن در هیچ یک از کتاب‌های مسالک به طور دقیق تعیین نشده یا قوت از آن نام برده و در قرن هشتم حمدالله مستوفی گوید بعضی از قومس گرفته‌اند و بعضی از توابع مازندران و بیشتر اوقات داخل ساری است و به والی آن تعلق دارد. (لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۳۹۸)

را به نام او کند و اشعاری در ذم محمود سرود. شهریار با انتشار این اشعار مخالفت کرد و گفت: تو شیعه‌ای و هر که تولی به خاندان پیامبر کند او را دنیای به هیچ کاری نرود که ایشان را خود نرفته است (نظامی عروضی، چهارمقاله، ص ۴۹۵). ناصر خسرو (در گذشته در سال‌های ۷۰-۴۶۵ هـ/ق ۷۷-۱۰۷۲ م) نیز پس از مهارجرت از بلخ چندی به مازندران پناه برد. آمدن او به مازندران و مدت اقامت او در آنجا مشخص نیست ولی در اشعار او آمده که به خاطر تعلق مذهبی به مازندران آمده است:

گرچه مرا اصل خراسانیست      از پس پیری و مہی و سری  
دوستی عترت و خانۀ رسول      کرد مرا یکمی و مازندری

(ناصرخسرو، دیوان اشعار، ص ۴۱۳)

و یاد در جای دیگر می‌سراید:

برگیر دل ز بلخ و بنه ز بہر دین      چون من غریب وار بہ مازندران درون

(همان، ص ۵۰۶)

نوع تشیع کیوسیه (شاخه‌ی نخست آل باوند) دقیقاً مشخص نمی‌باشد، با توجه به سخن ابن اسفندیار که نوشته اظهار مذهب امامیه و بطلان مذهب زیدیه از زمان سیدشرف‌الدین عالم معاصر او (قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی) صورت گرفت، احتمال دارد که شیعه زیدیه بوده‌اند (ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۱۰۶-۱۰۵)، به نظر می‌رسد گسترش شیعه امامیه از سده ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی در طبرستان شروع گردیده است. در منابع این سده دو شهر ساری و ارم<sup>(۱)</sup> که در اختیار شاخه دوم باوندیان بود، در کنار قم و آوه و کاشان ذکر گردیده که از شهرهای مشهور شیعه امامیه بودند (القزوی، النقص، ص ۳۱۷)؛ همچنین خاندان اسپهبدیه، نایبان مهدی خوانده شده‌اند که خطبه و سکه به نام مهدی صاحب‌الزمان می‌کردند (شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۸۶).

عمادالدین طبری از علمای مشهور امامیه در قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی نیز از گسترش امامیه در مازندران خبر داده و می‌نویسد:

۱- ارم در دامنه شمال البرز مرکزی در نزدیکی ساری بوده که ساکنان آن را رافضی خوانده‌اند. رک مرگان نظامی،

«در ملک مازندان که مولد مصنف این کتاب است، صد سال پیش از این پانصد تن شیعی نبودند اما امروز که سال ۶۷۵ است در وی پانصد تن مخالف نباشد و به معجزه ائمه ایشان جمله مؤمن و معتقد باشند و عن قریب باشد که عالمیان این طریقه را اختیار کنند.» (الطبری، کامل بهایی، ص ۱۱).

این مطالب تأکید بر این است که شیعه امامیه در دوره دوم باوندیان گسترش یافته است. علل شیعه شدن آل باوند به طور دقیق مشخص نیست. شاید برای مقابله با همسایگان اسماعیلی و زیدی و سنی خود، به حمایت از امامیه پرداختند.<sup>(۱)</sup>

تکاپوهای دانشمندان امامیه در طبرستان نیز در این امر تأثیر داشته است از جمله محمد بن جریر بن رستم طبری (متوفی حدود ۳۵۸ ق / ۹۶۸ م) کتاب *دلایل الامامه* را نوشت و زندگی امامان را به همراه معجزاتشان آورد، با این هدف که امامت آنها را اثبات کند (ر.ک ص ۶۳، ۸۴، ۹۵...). نویسنده از روایان ثقه امامیه (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۴۰) و دین دار و فاضل (الطوسی، الفهرست، ۱۵۹) معرفی شده است. همچنین محمد بن ابوالقاسم طبری کجی، مشهور به عمادالدین طبری که از او به عنوان فقیه آل محمد یاد شده (ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۱۳۰) از علمای قرن ششم / دوازدهم<sup>(۲)</sup> است که برای گسترش امامیه فعالیت می کرد و به ری و نجف و حله سفر کرد. مرتبه علمی او چنان بود که شیعیان بغداد و کوفه نزدش آمده و کتاب های روایی خود را برای او می خواندند. (طبری، بشارت نبوی، ص ۲۸-۹) از آثارش *بشاره المصطفی لشیهه المرتضی* را می توان نام برد. این کتاب را برای آن گروه از شیعیان نوشت که قدر و مرتبت تشیع را ندانسته و حرمتش را نگاه نمی دارند و حق آن را ادا نمی کنند. (همو، ص ۴۳) در این کتاب اخباری از خلیفه دوم عمر بن خطاب در فضیلت علی (ع) ذکر گردیده است. (همو، ۳۷۵۶).

برخی تغییر کیش آل باوند را تحلیل اقتصادی کرده و چنین پنداشته اند که مذهب شیعه امامیه در میان کشاورزان رواج یافته و مذهب زیدیه و اسماعیلیه در بین تجار و بازرگانان، به این

۱- اسماعیلیان در الموت و رودبار، زیدیان در رویان و رستمدر و سلجوقیان سنی مذهب حکومت مسلط بر ایران بودند.

۲- دو تن از علما به نام عمادالدین طبری مشهور هستند، یکی متعلق به قرن ششم و دیگری اواخر قرن هفتم است.

جهت اسپهبدان باوندی و دهقانان آنها از دین زردشتی به دین امامیه در آمدند. (مظاهری، «آستانه رضوی»، ص ۴۵).

بررسی وضعیت شهرهایی که سکونتگاه امامیه بوده و توجه به مشاغل آنها نشان می دهد که چنین فرضی درست نیست و جمعیت شیعه اثنی عشری در شهرهای تجاری مانند ری بیشتر بوده است. در ثانی شهر ساری یعنی مرکز اسپهبدیه از شهرهایی ذکر شده که بازرگانان بسیاری در آن وجود داشتند. (حدود العالم، مجهول المؤلف، ص ۱۴۵) در واقع در این زمان اقتصاد بیشتر بر مبنای کشاورزی استوار بود. همچنین برخلاف این دیدگاه، اسماعیلیان در مناطق صعب العبور و کوهستانی سکونت داشتند تا بتوانند در مقابل حکومت دفاع کنند و تنها داعیان آنها در شهرها در لباس تاجر ظاهر می شدند.

نخستین امیر اسپهبدیه یعنی حسام الدوله شهریار (متوفی ۵۰۱هـ ق / ۱۱۰۷م) به هواخواهی از تشیع مشهور است ولی نوع تشیع او مشخص نیست. در جنگ سلجوقیان با او، گروهی از مردم آمل که با مردم ساری دشمنی داشتند با سپاه سلجوقی همراه شدند و به فرمانده سلطان محمد سلجوقی - سنقر - گفتند ما به ساری می آییم تا راضیان را بکشیم. (ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۲، ص ۲۳) پس از پیروزی اسپهبد بر سلجوقیان، بر پیشانی اسیران آملی داغ محمد و علی زدند و آنان را با چهره سیاه در بازار شهر گرداند. (همو، ص ۳۴) پس از این آملیان حنفی به خواری به شهر خود بازگشتند. (مهجوری، تاریخ مازندران، ج ۱، ص ۲۱۶).

در بین جانشینان حسام الدوله شهریار، سه تن یعنی علاء الدوله و پسرش رستم غازی و نوه او اسپهبد اردشیر در پشتیبانی از تشیع امامیه نقش چشم گیری داشته اند که به آن می پردازیم.

### علی علاء الدوله و تشیع امامیه

علی علاء الدوله (حکومت ۵۳۳-۵۱۲هـ ق / ۱۱۳۸-۱۱۱۸م) چهارمین امیر اسپهبدیه، از علمای شیعه امامیه پشتیبانی می کرد. امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸هـ ق / ۱۱۵۳م) نویسنده تفسیر مجمع البیان، کتاب اعلام الوری با علام الهدی را به او هدیه کرد و در آغاز کتاب او را ستود. (طبرسی، ص ۱۵) طبرسی از علمای مشهور امامیه است که کتاب اعلام الوری را در سیره پیامبر و اهل بیت اطهار علیهم السلام در چهار رکن تنظیم کرد. رکن نخست پیرامون

زندگانی و شخصیت پیامبر(ص) رکن دوم امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه، رکن سوم امام حسن مجتبی تا امام حسن عسکری و رکن چهارم درباره حضرت مهدی سلام الله علیهم می باشد. علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار مطالب این کتاب را نقل کرده و آن را یکی از مآخذ معتبر دانسته است. (مجلسی، ج ۱، ص ۲۸)

سید فضل الله راوندی (متوفی حدود ۵۸۸ق / ۱۹۲۲م) از علمای امامیه کاشان و نخستین شارح نهج البلاغه که در زمینه علوم و ادبیات و معارف اسلامی توانمند بود، نیز اشعاری در مدح علاءالدوله علی در پنجاه و یک بیت سروده است (دیوان، ۹-۱۵۴) که با این بیت آغاز می گردد.

من کان یصبو الی الاوصاف و الغزل او کان ینسب بالاحداج و الکلال  
پس از آن به وصف پیامبر و ائمه دوازده گانه می پردازد (ص ۱۵۵-۶) آن گاه علاءالدوله را چنین توصیف می کند (ص ۱۵۷):

و رکن الاسلام یحمیه و ینصره نصرأ بعزّ عن التضحیح و الفشل  
علاء دوله هدی الارض من غلفت اعداده فی رهان الذل و الوهل  
تاج الملوک و من دان الملوک له طوعاً و کرهاً وراء الخوف و الامل  
صفهد زین الله البلاد به فاصبحت منه فی ابهی من الحلل  
ملک کأن رسول الله خلفه فی آله فهو یحمی من الخلل

در زمان حکومت علاءالدوله، دبیس بن صدقه امیر مزیدی که در حله حاکم بود، با وجود مسافت طولانی که بین حله و طبرستان وجود دارد به علت قدرت علاءالدوله و اشتراک مذهبی<sup>(۱)</sup> که بین آنها بود، همراه دویست سوار به اسپهبد طبرستان پناه برد. اسپهبد به او باری رساند، همچنین درباره برادرش بر که بن صدقه نزد خلیفه عباسی شفاعت کرد. (ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۱۰۸)

آنچه به نظر می رسد این است که آل باوند، ضمن این که از تشیع امامیه طرفداری می کردند،

۱- دبیس بن صدقه از خاندان مزیدی بود که در سالهای ۴۰۳ تا ۵۴۵ در حله حاکم بودند و در تاریخ به رافضی بودن (ابن تغری بردی، ج ۵، ص ۱۲۲) و شیعه بودن (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۴۷۹) شهرت دارند و از علمای امامیه پشتیبانی می کردند (ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵، ص ۵۹). ابن اثیر از دیدار او با اسپهبد طبرستان سخن نگفته است.

نسبت به اهل سنت نیز رفتاری دوستانه داشتند و به کسانی که سب صحابه می‌کردند، نظر مساعد نداشتند. علاءالدوله علی با دختر ملکشاہ سلجوقی، خاتون سعیده سلقم ازدواج کرد و این اختیار را به همسرش داد که دستور دهد در ساری زبان بوطالب مناقب<sup>(۱)</sup> را ببرند زیرا «هجو صحابه پاک و قدح زنان رسول خدا می‌خواند.» (القزوی، النقص، ص ۱۱۰-۱۰۹).

### اسپهبد رستم غازی و تشیع امامیه

پس از علاءالدوله علی، پسرش نصرالدوله شاه غازی رسم، مشهورترین فرد خاندان باوند به قدرت رسید. (مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۱۹) از قدرت او و رفاه مردم در زمان او خبر داده است. وی بر روی و ساوه نیز مسلط شد (ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۲، ص ۹۱). به حاکم خود در ری دستور داد مدرسه‌ای در محله زادمهران آن شهر بسازد و صد و بیست هزار دینار خرج کرد و «هفت پاره دیه از امهات قرای ری» را خریداری کرد و وقف آن ساخت. و متکلم بزرگ امامیه، سیدالدین محمود حمصی را مدرس آنجا قرار داد. (املی، تاریخ رویان، ص ۱۳۰؛ مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ۱۹؛ سلطان‌زاده، تاریخ مدارس ایران، ص ۱۲۶) این مدرسه تا سال ۱۳۶۱/۱۲۱۶م که ابن اسفندیار کتاب خود را می‌نوشت دایر بود. ابن اسفندیار از رونق بسیار آن یاد کرده و نوشته که سیدضیاءالدین شاگرد سیدالدین حمصی در آن به تدریس اشتغال دارد. (تاریخ طبرستان، ج ۲، ص ۹۱).

اسپهبد رستم مواد غذایی و لوازم مورد نیاز را از مازندران برای سرپرست مدرسه و فقهای آنجا می‌فرستاد. او وقفنامه‌ای نیز برای مدرسه تنظیم کرده بود که امکانات بسیاری در اختیار مدرسه می‌گذاشت. (همو، ج ۲، ص ۹۲) پس از مرگ اسپهبد، سید کمال‌الدین متولی مدرسه زادمهران دوازده هزار دینار زر را که در دستش امانت بود به مازندران برگرداند و بین مستحقان علوی تقسیم کرد. (همو، ج ۲، ص ۹۱).

سید مرتضی، عالم دیگر امامیه در شهر ری، مورد احترام اسپهبد رستم بود حتی اسپهبد به خزانه‌دار دستور داد هر چه سید فرمان داد، اطاعت کند و «خط او توقیع من شناسد.» (همان جا)



اسپهبد رستم به سادات قزوین نیز توجه داشت و بسیاری از علویان آن شهر را سرپرستی می‌کرد. (همان‌جا) وی دشمن سرسخت اسماعیلیه بود و پیوسته به جنگ با آنها می‌پرداخت. (مرعی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۱۷) به این جهت غازی لقب یافت. دوبار از جانب اسماعیلیه مورد سوء قصد قرار گرفت ولی با وجود جراحت بسیار، زنده ماند. زمانی که اسماعیلیه نتوانستند او را به قتل برسانند، پسرش گرده بازورا که به درخواست سلطان سنجر سلجوقی در خراسان به سر می‌برد در گرمابه سرخس کشتند. جسد گرده باز و راه به مشهد منتقل کردند و در حرم امام رضا علیه السلام به خاک سپردند (ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۲، ص ۸۶). پس از این، دشمنی اسپهبد با اسماعیلیان بیشتر گردید، چنانچه در روزگار او «هیچ ملحدی سر از الموت به در نتوانستی کرد.» (املی، تاریخ رویان، ص ۲۷)

عبدالجلیل قزوینی که معاصر اسپهبد رستم بوده است از او با عنوان شاه شاهان یاد کرده و نوشته است: «شاه شاهان رستم بن علی- ایده‌الله بنصرته- و پدرش ملک مازندران علی بن شهریار- رحمة الله علیه- قبه الاسلام است که به سالی هزاران ملحد و باطنی را در آن حدود طعمه سگان می‌کند.» (القزوینی، التفض، ص ۲۰۰).

نکته‌ای که نیاز به بررسی دارد این است که منابع نوشته‌اند ابن شهر آشوب دانشمند امامیه در مازندران به علت اختلاف با حاکم مازندران، این شهر را ترک کرده و به عراق رفت. در این منابع علت اختلاف و این که با چه کسی اختلاف داشته، نیامده است ولی چون تاریخ ورود ابن شهر آشوب به بغداد حدود سال ۵۴۷ق / ۱۱۵۲م و در زمان المقتدی عباسی (خلافت ۵۵۵-۵۳۰ق / ۱۱۶۰-۱۱۳۵م) ذکر شده (پاکتچی، ج ۴، ص ۹۰)، مشخص است هم زمان با دوره حکومت اسپهبد رستم بوده است. احتمال دارد علت درگیری او در ارتباط با سیاست تسامح مذهبی اسپهبد رستم بوده است. ابن شهر آشوب کتابی به نام مثالب النواصب دارد (پاکتچی، ج ۴، ص ۹۲) که در آن به اعتراضات اهل سنت به شیعه پاسخ می‌دهد. امکان دارد این نوع تفکر ابن شهر آشوب با سیاست اسپهبد رستم هماهنگی نداشته است زیرا هدف اسپهبد این بود که مذاهب مختلف در مناطق تحت اختیارش به آرامی در کنار یکدیگر زندگی کنند، به این جهت وقتی که در سال ۵۵۴ق / ۱۱۵۹م در استرآباد در پی سخنرانی یکی از علمای شافعی درگیری بین شیعیان و علویان با شافعیان رخ داد و شیعیان شورش کردند و گروهی از شافعیان را کشتند و

قاضی شافعی استرآباد را مجروح و خانه‌اش را غارت کردند، پادشاه مازندران رستم، با وجودی که «به شدت به شیعه علاقه داشت» (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۴۳) واکنش نشان داد و شیعیان را مجازات کرد و امتیازات آنها را قطع و از اهل سنت دلجویی نمود و قاضی شافعی را بر سر کار بازگرداند (همان‌جا).

### اسپهبد اردشیر و تشیع امامیه

پس از رستم، پسرش اسپهبد حسن جانشین گردید. وی به علت سختگیری به دست نگهبانانش کشته شد و فرزندش اردشیر جانشین او گردید. در زمان او تشیع امامیه گسترش بیشتری یافت تا آنجا که آوازه آن به خارج از ایران نیز رسید. بنابه نوشته ابن اسفندیار در سال ۵۷۹ق / ۱۱۸۳م دو تن هندو به طبرستان آمدند تا پیرامون تشیع امامیه تحقیق کنند، زیرا علوی امامی مذهب به سرزمین آنها رفته و «دعوی مذهب و طریقت شیعه کرده بود» علمای آن دیار با او مناظره کردند، «بر همه، سخن او حجت آمد و غلبه صدق با او بود». پادشاه هند هم گروهی را فرستاد تا از پادشاه «کسروی نژاد» که به این کیش می‌باشد تحقیق کند. (ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۱۱۶) امیرسید بهاءالدین الحسن بن مهدی مامطیری از دانشمندان آن عصر پاسخ آنان را نوشت که به نام رساله «الهنود فی اجابة دعوی ذوی العنود» مشهور است. این رساله به زبان عربی است و قسمتی از آن در کتاب ابن اسفندیار آمده است. (ج ۱، ص ۱۱۶۸). مامطیری پس از بیان این که شیعه در کدام سرزمین‌ها نفوذ کرده به تمجید از اسپهبد اردشیر می‌پردازد. (همو، ص ۱۱۷)

نویسنده تاریخ طبرستان (زنده در ۶۱۳ق / ۱۲۱۶م) که بخشی از عمر خود را در دربار اردشیر گذراند و از حمایت او برخوردار گردید (همو، ص ۴) نوشته است: اسپهبد اردشیر برای عزالدین یحیی از علمای مشهور ری و قاضیان این شهر و شیخ الاسلام لاهیجانی «هفت صد دینار و اسب و ساخت و دستار و جبه» و برای علما و دانشمندان قزوین و کاشان و اصفهان و غیره اموالی تعیین کرده بود. علاوه بر این از خارج از ایران، از مصر و شام و سواد عراق، علویان نزد او می‌آمدند و از هدایای او بهره‌مند می‌گردیدند. (همو، ص ۱۱۹) در طبرستان و ری مخارج ازدواج دختران نیازمند علوی را می‌پرداخت. مبالغی زر برای تعمیر زیارتگاه‌های حضرت عبدالعظیم حسنی،

مقابر قریش، فرزندان امام حسن (ع)، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، سلمان فارسی، امام حسین (ع) و امام رضا علیه السلام اختصاص داد. موقوفاتی هم برای کعبه و مدینه نیز تعیین کرد. (همو، ج ۱، ص ۱۲۰).

روابط اسپهبد اردشیر با خلیفه الناصر عباسی هم دوستانه بود، حتی برای طغرل سوم سلجوقی میانجیگری کرد (همو، ص ۱۱۵). با خلیفه ناصر دیدار داشت. منابع ضمن خبر از این ملاقات به امامی مذهب بودن اسپهبد اشاره دارند. (ابن کثیر؛ *البدایة و النهایة*، ج ۱۲، ص ۳۸۹؛ سیوطی، *تاریخ الخلفاء*، ص ۳۵۹). زمانی که طغرل سوم از دست رقیبانش به او پناه برد از او پذیرایی کرد و حاضر نشد در برابر حکومت ری، ساوه، قزوین، قم و کاشان او را به دشمن تحویل دهد (راوندی، *راحة الصدور*، ص ۳۴۱-۲) و برای طغرل لوازم مورد نیاز او را فرستاد. راوندی در کتاب *راحة الصدور* به علت دشمنی با شیعه، رابطه اسپهبد اردشیر را با طغرل سوم مناقخانه خوانده و نوشته برمبنای عقیده رافضیان که بر تقیه و نفاق است برای سلطان، کمک می فرستاد. (همان، ص ۳۴۲).

به طور کلی می توان چنین ارزیابی کرد که آل باوند در سده های ششم و هفتم هجری / دوازدهم و سیزدهم میلادی پیش از قدرت یابی صفویان با ثروت خود و پشتیبانی از سادات و علما و ایجاد مدارس، هر چند محدود به گسترش شیعه امامیه کمک کردند. در سطح جهانی هم کارهای تبلیغاتی انجام دادند تا جایی که پرچم اسپهبد اردشیر را جلوتر از علم سایر پادشاهان و فرمانروایان آن زمان در کنار علم خلیفه می بردند و هنگامی که از حاجیان باج گرفتند، برای سرپرست حاجیان، اموالی فرستاد و خواست که ندا دهند همگی حاجیان آزاد کرده ی شاه مازندرانند. (ابن اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، ج ۱، ص ۱۲۰)

## 📖 منابع و مآخذ

- ۱- آملی، مولانا اولیاء الله. تاریخ رویان. تصحیح منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۴۸خ.
- ۲- ابن اثیر، عزالدین علی. **الکامل فی التاریخ**. حقه علی شیری. بیروت: دارالحیاء التراث العربی. ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۹م. ج ۶ و ۷.
- ۳- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن. **تاریخ طبرستان**. تصحیح عباس اقبال. تهران: پدیده. ۱۳۶۶.
- ۴- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی. **المنتظم فی تاریخ الامم والملوک**. تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.
- ۵- ابن عزری بردی، ابو المحاسن یوسف. **النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره**. مصر: المؤسسه المصریه العامه للتألیف الترجمه و الطباعه و النشر. بی تا.
- ۶- ابن کثیر، البدایه و النهایه و معه نهایه البدایه و النهایه فی الفتن و الملاحم. تحقیق یوسف الشیخ محمد البقاعی. بیروت: دارالفکر. ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۷م.
- ۷- اسپرلر. **تاریخ ایران در قرون نخستین**. ترجمه جواد فلاطوری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۷۷.
- ۸- باسورث، ک. ۱. «**تاریخ سیاسی و دودمانی ایران (۶۱۴-۳۹۰ هجری / ۱۲۱۷-۱۰۰۰ میلادی)** تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانی. پژوهش دانشگاه کمبریج. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر. ۱۳۷۱.
- ۹- پاکتچی، احمد. «**این شهر آشوب**». دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۰- جعفریان، رسول. **تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری**. بی جا: سازمان تبلیغات اسلامی. ۱۳۶۸.
- ۱۱- **حدود العالم من المشرق الی المغرب**. مجهول المؤلف. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: ظهوری. ۱۳۶۲.
- ۱۲- الراوندی، محمد بن علی بن سلیمان. **راحة الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق**. تهران: امیرکبیر. ۱۳۶۴.
- ۱۳- الراوندی الفاسانی، ضیاء‌الدین ابی‌الرضا فضل‌الله الحسنی. **دیوان السید الامام ضیاء‌الدین من علماء المائه السادسه**. تصحیح جلال‌الدین الارموی المشتهر بالمحدث. مطبعه المجلس. ۱۳۷۴ق / ۱۳۳۴ش.
- ۱۴- زامباور. **نسب‌نامه خلفا و شهریاران**. ترجمه محمد جواد مشکور. تهران: خیام. ۱۳۵۶.
- ۱۵- زرین‌کوب، عبدالحسین. **تاریخ مردم ایران**. تهران: امیرکبیر. ۱۳۶۷.
- ۱۶- سلطان‌زاده، حسین. **تاریخ مردم ایران**. تهران: امیرکبیر. ۱۳۶۷.
- ۱۷- سیوطی، جلال‌الدین. **تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون**. تهران: آگاه. ۱۳۶۴.
- ۱۸- شوشتری، قاضی‌نورالله، **مجالس المؤمنین**. تهران: اسلامیة. ۱۳۷۵.

- ۱۹- الطبری، محمد بن جریر بن رستم. دلائل الامامة. نجف: المطبعة الحیدریه. ۱۳۶۹ق / ۱۹۴۹م.
- ۲۰- طبری امامی، عمادالدین ابوجعفر محمد، بشارت نبوی به شیعیان علوی. ترجمه ابوالفضائل مجتهدی. تهران: مکیال. ۱۳۷۹.
- ۲۱- الطبری، الحسن بن علی بن محمد مشهور به عمادالدین طبری. کامل بهایی. قم: مؤسسه طبع و نشر. ۱۳۳۴.
- ۲۲- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن. اعلام الوری یا اعلام الهدی.
- ۲۳- الطوسی، محمد بن الحسن. الفهرست. قم: منشورات الشریف الرضی. بی تا.
- ۲۴- القزوینی الرازی، عبدالجلیل. کتاب النقض معروف به بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض. مقدمه و تعلیق. جلال‌الجلیل حسینی ارموی. بی جا: بی تا. ۱۳۷۱ق.
- ۲۵- لستنرچ، گی. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۷۷.
- ۲۶- مادلونگ، ویلفرد. فرقه‌های اسلامی. ترجمه‌ی ابوالقاسم سری. تهران: اساطیر. ۱۳۷۷.
- ۲۷- المجلسی، محمدباقر. بحارالانوار. تصحیح محمدباقر محمودی. تهران: وزارت ارشاد اسلامی. ۱۳۶۵.
- ۲۸- مرعشی، ظهیرالدین. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. با مقدمه محمد جواد مشکور. به کوشش محمد حسین تسبیحی. تهران: شرق. ۱۳۶۸.
- ۲۹- مظاهری، علی. «امامیه در مازندران در قرن ششم». معارف اسلامی، دوره جدید، ش ۴، مسلسل ۱۸، پاییز، ۱۳۵۳.
- ۳۰- مظاهری علی، «آستانه رضوی و شیعه در حدود ۴۰۰ هجری»، معارف اسلامی دوره جدید. ش ۵، مسلسل ۱۹، زمستان ۱۳۵۳.
- ۳۱- مهجوری، اسمعیل، تاریخ مازندران، تهران: توس. ۱۳۸۱.
- ۳۲- ناصر بن خسرو قبادیانی، حمیدالدین. دیوان اشعار. به کوشش مهدی سهیلی. تهران: امیرکبیر. ۱۳۵۵.
- ۳۳- نظامی، مزگان. «آرم»، دایره المعارف بزرگ اسلامی. ج ۷.
- ۳۴- النظامی العروزی السمرقندی، احمد بن عمر. چهارمقاله. به سعی محمد بن عبدالوهاب قزوینی. لیدن: مطبعة بریل. ۱۳۲۷ق / ۱۹۰۹م

35- Frye. R.N. "Bawand". *Encyclopaedia of Islam, New Edition*. Leiden: 1986. Voll.

36- Madlung. W. "AL- Bavand". *Encyclopaedia Iranica*. London: 1985. Voli.